

حرف

شماره ۱۳۴۵ اول مرداد ۱۳۶۰

کودتاچیان حاکم در فکر خیانت ننگین

در جنگ هستند

پیروزی در جنگ با از سر راه برداشتن

خائنین کودتاچی میسراست

چندی پیش روزنامه «جمهوری اسلامی» ستاریو-کی رابه عراق نسبت داد مبنی بر اینکه آنها میخواهند به بهانه جنگ با اسرائیل غاصب و دفاع کاذب از فلسطین و جنش خلق فلسطین، پیشنهاد مددا کرده و سازش بدهند. حال معلوم میگردد که این «ستاریو-کی» عراق نیست، بلکه ستاریوی خیانت آشکارا از طرف حزب جمهوری اسلامی و کودتاچیان حاکم است. هبا هو و جنحالی گنه

س از حمله، و حیانت است... ستاریوی خیانت با رهنمود، برخلاف دروغ های هر روز، رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی، هیچگونه پیشرفتی در کار جنگ حاصل نشده است. (در صفحه ۴)

حکومت کودتای حزبی

پوشاکی است

و باید سرنگون شود!

با حرکت کودتاگران، خمینی و علیّه، کامل ارتجاع خیانت پیشه، حاکم بر کلیه ارکان حکومتی نقطه، چرخشی دژسیرتکامل اوضاع سیاسی کشور بوجود آمده است. یک دوره از مبارزات مردم که با پیروزی مرحله ای انقلاب در سهم ۵۷ آغاز شده بود به پایان رسید و دوره، نویستی از مرداد ۶۰ آغاز گردید. تکافی که انتظار مسرعت در میان عناصر متشکله، جمهوری اسلامی سبقت، افتاد. هرگونه عناصر بر دمی و ملی از این جمهوری حذف شد و سیاست زد و بند با بر قدرت ها و استعمار جهانی در مناسبات خارجی و سیاست ترور و اختناق و استبداد تنها مذهبی در مناسبات داخلی بر کشور حاکم گشت. عبارات دیگر تغییرات کمی سابق به یک تفسیر کیفی منتهی شده و وضعیت کیفیتا نویستی در کشور بوجود آمده است. مرحله، مبارزات کم و

بیش مسالمت آمیز بر سر حفظ یا چگونگی ادامه، انقلاب ضمن دفاع از موجودیت آن و استقلال کشور در برابر تهاجمات و توطئه های خارجی به سر رسیده و مرحله، مبارزات فخر آمیز برای نجات انقلاب و کشور، که فوری ترین هدف آن سرنگونی قدرت حاکمه، کنونی است، آغاز گردیده است.

دارودسته ای که امروز بنام جمهوری اسلامی بر کشور حکومت میکند هیچ تفاوت با هوئی با دارودسته، سرنگون شده، شاه معدوم و سلطنت طلبان فراری کنونی نداشته و دارای همان خصائل دلاکی و ملاکی (کمپرادوری و فئودالی) است. تنها تفاوت اینکه در راس هیئت حاکمه، جدیدمشتی ملایان خونخوار قرار گرفته اند که بر جای سلطنت عرفی سابق، سلطنت شرعی جدید را نشانده اند و جاهل ترند. (در صفحه ۴)

رفیق تیمور کاویانی تاش

در جبهه آبادان شهید شد

رفیق تیمور کاویانی تاش، یکی از رفقای جوان هوادار اتحادیه کمونیستهای ایران که بر علیه متجاوزین بعثی در جبهه، آبادان می جنگید، مورد اصابت ترکش خمپاره قرار گرفت، و متأسفانه در روز ۸ تیر ماه ۱۳۶۰ در بیمارستانی در شیراز به شهادت رسید. این رفیق عزیز پیش از ۱۹ سال عمر نگردد و از خاک قهرمان بیروز آبادان برخاسته بود. شهادت اس جنیب رفیق جوانی در راه، انقلاب و منهن سیمه، ما سر و توان میبخشد تا مبارزه، خود را بر علیه قاتلان و کشارکنندگان جوانان این مملکت ستم زده و ولادیده، از متجاوزین بعثی تا جلادان حزبی تیزتر کنیم. یاد تیمور عزیز همیشه در دل همسنگرانش باقی خواهد بود.

اخبار از سراسر کشور

تهران

چندی پیش در سه راه زندان دسته ای جمع شده و شعار میدادند که بگومرگ بر شاه! کدام شاه؟ همان شاه حماران، سزرگ عمامه داران!

با سدا ری گفته است که ما دیگر جرئت نداریم با لباس فرم سروان برویم چون ما را می کشند توی خانه ها و سرمان را می برند!!

سرنگون باد حکومت استبداد و خیانت ملی در پرده دین

بقیه از صفحه اول

حکومت...

این دارودسته و خمینی، کُنه در مقام رهبری حرکت کودتای گرانه آن فرار گرفت، دارای هیچ پایگاهی در میان مردم نیستند. کسی که طی سخنانی حدود یکماه پیش لاف زنگان گفته بود: "من خواهم منزوی کرد"، با همان سخنان خودش (امنزوی کرد و بزودی هم میلی محکمی خواهد خورد. مردم ایران در انبوه عظیم خویش با مبارزات پراکنده، اعتراضات گوناگون و همچنین برهرا از شرکت در قشوقی های سالوبه ای که امام آنان را ندانند دعوت نکردند نشان دادند که سار سردار سر و هشارتر آنند که مثنی ملای خرد سرو به مال و مقام رسیده و دروغزن و جاشن به انقلاب و کشور تصور میکردند. زیرآزمینی را امروز جز فشرنازکی ارملاکان و بوقوفه خسوران و سرمایه داران دلال پهنه، سوکده ای که بخش عظیم سودهای هگمت دادوستد خارجی و داخلی دو سال وسیع، اخیرا به حب رده و مشتاق محولی برای تحدید قرارداد های استعماری سابق و هماغوشی با امیرالیستها هستند، دعا نمیکند. متشکل ترین سازمان سیاسی ایس قش حزب جمهوری اسلامی است، که در اشتلاف سنگینی با گروهک های منکوک و آلست بیت مدھی و عناصر کره کار و اسبه عرب و شرق علیسه ملت ایران سمرکنده و بدو حاد بلات سورردنسا

نومل به وحشیانه ترین شیوه های ترور و سرکوب مردم و کشتار نیروهای انقلابی و ملی و کنار آمدن با ابرقدرتها و ارتجاع منطفه حاکمیت بیونالی خویش را در شرایط بحران فزاینده اقتصادی و سیاسی موجود حفظ کند.

این حاکمیت بیونالی است زیرا نه دارای طرفداران قابل ملاحظه ای در جامعه است، نه دارای نیروهای مسلح قابل اتکالی میباشد و نه آنکه از پشتوانه مالی و اقتصادی نسبتا محکمی در حال حاضر برخوردار است. تنها پایگاه فعال اجتماعی آن را دستجاتی از اشرار و عناصر فاسد شده طبقات مختلف یعنی اجامروا و باشی طبقه، که برای پول و با اطفاء غرایسز کثیف خویش برای خمینی و ولایتش جار میزنند و به یک رنگار ملل انقلابیون گورشان را کم خواهند کرد، تشکیل میدهد. همان بحاله های اجتماعی که روری به دنبال شیخ نوری و رور دیگر بدنبال کاشانی و بهبهانی در دو کودتای ضد ملی شرکت جستند و بنام "مردم" جا زده شدند. "حزب الله" کذاشی همینانند.

اما نیروهای مسلح کشور به جز بخش اعظم سپاه پاسداران، که تنها یک نیروی سک نظامی بایدهیجا بآید، بافت منسجم و متحدی را برای حکام کنونی تشکیل نمیدهند و بدون شک در برابر مقام مردم بایک جنگ داخلی از هم خواهند پاشید و میان به گرایش درونی آن یعنی گرایش همکاری با ارتجاع حاکم فعلی، همدستی با ارتجاع سلطنت طلب فراری و همراهی با نیروهای انقلابی و ملی یعنی مردم تعمیم خواهد گشت. هرچه نیروهای انقلابی و ملی سرعتر و فاطما به سر عمل کمندخسی بیشتری از سوده، ارتشی زانته

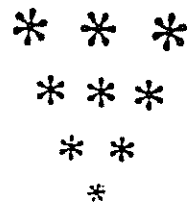
خود طلب سوانند کرد: حال آنکه ضعف و سوردر کار سرو - های انقلابی و ملی تنها باعث خواهد گشت که با نگاه این نیروها در ارتش بدست سران خود فروخته و احمن های اسلامی نصعیه و نابود شوند و همچنین عناصر کنسرسی طرف ارتش یا مرعوب حکام کنونی شوند و یا آنکه طلب نیروهای سلطنت طلب و طرفداران کودتای نظامی در ارتش گردند. امکان اخیر بسیار زیاد است زیرا هجوم خمینی و جناح استگاران حاکم امروزه تماما منوجه عناصر انقلابی و ملی است و در نتیجه سکه های سلطنت طلب و همچنین فرماندهانی که سودای یک کودتای نظامی را در سر می پرورانند از این فرصت با خیال راحت استفاده میکنند.

همچنین بحران اقتصادی موجود، که با توجه به ادامه بحران سیاسی، نا امنی اجتماعی و سیاست های امن الوقانه و جاهلانسه حکومت دانگما شدت میگردد، بیش از پیش ساخت بیونالی حکومت را عریان میکند. هر چند حمرات با اصطلاح نه شرقی و نه غربی طبق روالی که در یکسال اخیر نشان داده اند داسما دست گذاری وسعت به سوی ابرقدرتها ی شرق و غرب و انگلیس و آلمان و ژاپن دراز کرده و با تحدید قرارداد های صدملی سابق، براراد های صدملی جدید، سرار برکردن کالاهای خارجی به بازار ایران و عاقبت اخذ وام از منابع امیرالیستی میکنند و خواهد گشید بنه، مالی و اقصادی رابط شور مصنوعی و با اتکاء به بیگانان و در حال فروش کشور به بیست کند، لیکن بدس نادکی و بدون غلبه بر بحران سیاسی و اتحادیات و اصت برای حاکمیت خویش قادر به خروج از بحران مالی و اقصادی

کسور سخواهندند و بلکه هر چه سردر عرما آن سرو خواهد رفت. عبارات دیگر سروهای انقلابی و ملی کنور با آنکه بر سرع سر حمرات و دز حمران نا جوامردی فرار گرفته اند، با حکومتی سراپا بیونالی رو برو هستند. وحشی گری و شتابزدگی این بی سرو پاها برای قلع و رمع و کشتار همه، عناصر و حربا نهی مترقی جامعه دلملی بر صفت مفرط و سوحالی بودن آنهاست. آنها پهلوان بنده های میداسی اند که هنر سورا حربا نشان سعی انقلابیون و مهن برستان کشور شمشر هایشان را از نیام بی سرون نکشیده اند. آنکه که بسرق شمشرهای بران ما را ببینند مثل گ های ترسوشی زوزه کشان به هر طرف خواهند گریخت و در میان ملت بزرگ ما، که بی صرا به اسطسار سرامرو حمرند نعله های دومین میام سلحاه، حوسن را میکند، هیچ پناه و پناهاگی هی را نخواهد یافت.

سروکله آمریکایی های تکتبی! در عناق نقنی پیداشده

طس حمرتغی ازکی از کارکنان شرکت نفت که در جزیره، لاوان کار میکنند، در جزیره ای در نزدیکی لاوان به نام جزیره، سری ۳۶ سسر کارشناس آمریکایی مسول حفرا هفت هستند. هیچکس خو ندارد به آنجا برود و روری که یک ایرانی پاش به آنجا رسیده بود، بالولد سوی کمری زده بودند که مجبور شدند برای معالجه به بران برود.



اخبار

شماره از صفحه اول

جنگ

و بلکه بی از عزل نا جواب مردمان به بی صدرا فرماندهی کل فوآوربات جمهوری، روحه سربازان و افسران سپهرت شدیداً صریح خورده است. بگیر و بسندهای مهن برسان درون ارتش کدبا حکومت کودتا اعلام مخالفت کرده اند. دساله همان سیاست ارتجاعی حزب جمهوری در جلو گیری از جنگیدن نیروهای انقلابی و مردم در حیطه های جنگ میباشد. این دارودسته، نیتند، ابر قدرت را، برای حفظ قدرت در دست خود به هر حیثانی دست خواهد زد. همانگونه که حیثت با راه جاسوسان آمریکائی را راهائی داد و مسلمانان را دلار ثروت مردم ایران را هم جاشنی ایمن حاس کرد، بهمان ترتیب برای حفظ قدرت قتاله، خود دست بپرخاست سنگینی در این جنگ خواهد زد. ولیسی همانطور که حاسنت ساز در مورد جاسوسان آمریکائی را "سروری" نامید، بهمان ترتیب حاسنت در جنگ را "سر در بر بریده" مبارزه در راه فلسطین و "سروری" نخواهد بهشت سرد.

امروز برای دصاعار میان انقلاب، هیچ راهی جز سرنگون ساختن این حکومت کودتاگر، مسیعد و طغیروش که در زیر پرده شرع و دین خود را پنهان کرده است، موجود است. سروری در جنگ است فقط در بر سر و این وطنه، مغزوی امکان بدیسر

میباشد و لا غیر.

ای مردم ایران!

کودتا جیان حاکم صده دستاوردهای خون و اشک و کوشش و جدوجهد شما را قدم بقدم لگدمال میکنند. استبدادی سیاه را بر حاکمه مسولسی با حه اندوروری بست که دهها جوان را بدون محاکمه جوخه اعدام نمیرند. خیانت ملی را حاکم کرده اند و روزی نیست که بر علیه استقلال و غرور ملی ایران توطئه نجیبند و باره ای از آن را به یادمانده اند. اکنون هم در پی آن هستند که با صدام وحشی و متجاوزان اربابان امپریالیستش بازند و نتیجه زحمت هزاران جوان ایرانی، سخته خون هزاران شهید جنگی و در سدری ملیونها آواره، جنگ زده را بخاطر حد صاچی سسر در قدرت ماندن به زیر پای خود و امپریالیستها لگدمال کنند. این چنین اجازه ای را به آنها ندهید و با برانداختن این حکومت پوتالی و حاشین، انقلاب و سپهر را نجات دهید.

۱۳۶۰/۴/۲۸

((اتحادیه کمونیستهای ایران))

مبارزه خاندانهای مسودند. همگامی مگردان سظارا با حه چهار راه آذری رسد. ناگهان از هر طرف مردم را به کتله میزنند. سواهد بسیاری در دست است که این جریان توطئه با سداران بوده است. اولاً تا بوقت حالی بوده و طبق اطلاع موشن حد حاسد سرامی ساعت ۹ هجری روز در کورستان دمن نده است. ساییسا اولین سزار سوی با سداران و حاشا طلبک شده است و فرما سزار شهر دسورا سز داده است. نالنا سائلیک اولین کتله بگ سزار اربا سداران فرما میزند، طلبک ننگین خودی است. بدستمال این حاسنت ارتش و سپاه از مملکهای استقرارشان شهر آزیسز آتش میگیرند، مدرسه، محسنی موردا ماست توب فرار میگیرند. در این جریان هشت نفر کشته (۳۰ الی ۴۰ نفر زخمی میشوند. فرما سزار و برخی از با سداران و حاشا سزار زخمی میشوند. فرما سزار طبق اطلاعهای دورورا اعلام عزای عمومی میکند.

سندج

۶۰/۴/۱۵ - در این تاریخ در مملکه، حواله حان سظارا با موضوعی از طرف عده ای از هواداران اتحادیه کمونیستهای ایران صورت گرفت. این سظارا با حه که حدود ده دقیقه طول اسحا میدوم سیر جدیدین کوجه را طی مسودا بخش اعلامیه و شناسار همراه بود و از طرف مردم مورد استقبال سزار گرفت. سظارا های این سظارا با بدین قرار بودند: حورستان اشغالی آزادی پیدا کرد، دولت عدلی تا بودیا بدگردد - زندانی سایی آزادی باید گردد - حزب جماع بدستان باید بره حورستان - مرگ سسر آمریکا، مرگ بر آمریکا.

جنایت و خبیثانه در جهرم

بدستال درگیری اخیر مردم سارزبا مزدوران "حزب الله" در جهرم دو نوجوان دانش آموز هوادار با حه هدین، ساسمهای شروانی و معدسی سندی رخمی شده و دستگیر شدند. هر دو را قبل اراسکه به سمارستان برسانند تحت با رجوشی فرار میدهند. سسندت حراحت شروانی سندی بوده است که سلافا صله او را به اطاق عمل می برند. زمانی که این نوجوان سیهوش بوده و جراحان مشغول جراحی بر روی او بودند، ناگهان ردرا اطاق باز میشود و چند سدار بداخل می آیند و سگوبیندا و محکوم به اعدام شده و آده ایم تیسر خلاصی را بر زمین. اعتراض دکتورها و پرستاران به حاشی نمیرسد و این آدمکشان و بیجانند تیر خلاصی را به شقیعه او حالی میکنند. دکتور جراح بر اثر دیدن این صحنه تا سروز شوکه بوده است. سسود جوان دوم را سزار از تخب سمارستان پائین میکنند و سسر ساران سیکند. او که خود حدی زده بود کشته خواهد شد. سسندت فصل و صلب - ساهه، خود را سوشد و سوظی آن ارتمام دوسان و سرددگان خود خواسته بود در این راه که چیزی جز سرتنگونی ساط اسناد و سوگری ابر قدرت های حزب جمهوری و دولت حاکم است ادا می دهند.

اعدام نا جوانان مردانه خانم دهقانی

حدوده هفته قبل حانم روح انگیر دهقانی - خواهر شهید سپهر روز دهقانی و اشرف دهقانی و همسر شهید کاظم سعادت - دستگیر شدند. تنها جرم وی این بود که بدین ارتشش شبانه خانه شان آلسوم عکس و دفتر بلعن آنها را برده بودند. بعد آلسوم عکسها را بس میفرستند. حانم دهقانی ساتفاق مادرش به داد سزار انقلاب می روند. می پرسند چرا آمده اید؟ سگوبینده دفترچه تلفن را می خواهیم. در جواب می شنوند و لاسخود کرده اند. ساشا دفترچه را با راه کرده ایم. حانم روح انگیز دهقانی در جواب سگوبیده شما بیخود کرده بد دفترچه را با راه کرده اند. سلافا صله سیروده ای سگول سدهد و ساشان را سحر موهن!! به شما بدهد، امام سرداری سگسدر و سروز سنده حوجه، اعدام سسار رسد. اسها سسند حلالدان سی حنم و روشی که قدا ساشان اکثریت سگ حاساشان را سسند می رسد. شهید روح انگیر دهقانی سال پیش سحر مخواه اشرف دهقانی بودن آرا مورث و سروری احراج شده بود. ارباب شهید ۲ فرزند ساسا سروزما ۱۳۰ ساله و (۱) ساله ساساند.

اخبار...

شده اند و نزدیکان او در وضع بدی بسر میروند.

تبریز

■ به گفته مردمی از تبریز ماموری تا فرزند ۴ - ۳ ساله اش در خیابان راه می رفته، بچه میگفته درود بر سنی صدر، مرگ سسر بهشتی - که در این زمان پاسداری حلوی مادر را میگردد. مادر به عزولایه میا فتدو میگوید که او را تنبیه میکنم، اما با سسدار کلت را بیرون کشیده و کودک را میکشد (حدوث واقع روز ۷ بهمن ۸۳)

گرمشاهان

■ فریدون کنجیدی یکی از افراد سپاه پس از برکناری بنی صدر و درگیری های اخیر و مشا هده، جنایات سپاه، استعفا داد. ولی پس از چند روزی و چند نفر از دوستانش دستگیر و زندانی میشوند. طی درگیریهای اخیر تعداد زیادی حدود ۷۰ نفر از سپاه اخراج و یا استعفا داده اند.

اهواز

■ ۱۱ تیر ماه: یک پاسدار عرب که شاه اهدا ۴ نفر از هواداران مجاهدین بود میگفت: "من برای انجام کاری به محل مرکزی سپاه در چهار شیر برفته بودم که دیدم آن چهار نفر را آوردند (ساعت ۴ بعد از ظهر چهار رشنه ۶۰/۴/۱۰) دستهای آنها را بسته بودند ولی آنها نگذاشتند چنان نشان را ببینند و در آخرین لحظه در حالی که همدیگر را مسوسیدند فریاد زدند: زنده باد مجاهدین. من از شدت تاشران شب نتوانستم تا م بخورم".

■ در ۱۱ تیر ماه ۶ نفر از فرزندان کاروان تبریز را ن کردند: ۴ نفر از بچه های مجاهدین بودند، که گویا یکی از ایشان ۱۴ ساله بود. بیگدلی، برادرنا مزدا انتخابی مجاهدین در اهواز. ۲ نفر بچه های رزمندگان بودند که حدود ۸-۷ ماه پیش دستگیر شده بودند و یکی ۲ سال و دیگری ۳ سال حکم زندان گرفته بود. از این دو یکی کارگزار ضایع فولاد بود و عضو شورای قبلی ضایع فولاد اهواز و کارگر مبارزی بود. یک انگیزه اعدام نا جوان مردانه، این فرزندان شجاع خلق این بود که همزمان با تشدید جو مبارزاتی جامعه، بچه های زندان کاروان دست به یک مبارزه و مقاومت در برابر خواستهای زورگویان زنده اند. بان رژیم جمهوری اسلامی زده بودند. گفته میشود که بزودی حداقل ۱۰ تن دیگر از دلیران زندانی را اعدام خواهند کرد.

گجساران

■ در هفته اول خرداد ۱۶ نفر از سپاه پاسداران و جهاد سازندگی شهرستان گجساران استعفا داده بودند. ■ شنبه ۶ تیر ماه: در شرکت نفت اطلاعاتی ای پخش میشود مبنی بر اینکه دادن رتبه یا درجه شغلی به کارکنان شرکت نفت سسر مبنای تخمین کاری و مهارت در کار نیست، بلکه معیار مکتبی بودن است. از جمله شرکت در نماز ظهر در اداره، شرکت در نماز جمعه و برنما مهاباتی که از طرف انجمن معلوم الحال اسلامی ترتیب داده میشود.

مهاباد

■ ۶۰/۴/۲ - ساعت ۶ بعد از ظهر این روز جاش معروف خالد براقی، همراه دوشن پاسدار در خیابان زندتور شد، اتومبیل آنان به آتش کشیده شد. در جریان این درگیری دوشن، یک مرد و یک دختر دانش آموز نیز کشته شدند. مردم بقدری از جاش مزبور متنفر بودند که هنگام ترور شد و هنوز زنده بود با پاره آجر و چاقو حمله اش افتاده بودند. دیگران مسئولیت این عملیات را بعهده گرفت.

■ ۶۰/۴/۳ - ساعت ۱۲ ظهر پاسداران مردم و کارمندان ادارات را به زور سر نیزه و ادا ربه شرکت در مراسم تشییع (در صفحه ۳۰)

■ مادریکی از مجاهدین برای گرفتن جسد فرزندش، که جزء گروه ۱۰ نفر شهیدان اعدام شده هفته اول این ماه بود، مراجعه میکند. به او میگویند که در مقابل ۱۰۰۰۰۰ (ده هزار) تومان پول و یک جعبه شیرینی حاضریم جسد را تحویل بدهیم.

■ طبق خبری که موجود است حکومت کودتای اسلامی فهرست زندانیان سیاسی زمان شاه را از بایگانی های با واک برداشته و پس از برداشتن مشخصات، به خانه هایی که متناهی اشان موجود و یا قابل دسترسی است حمله برده میشود. در این میان بهزاد نسوی فهرست مخصوصی دارد که بر اساس آن عمل میکند. بهزاد نسوی که خودش چندی زندانی سیاسی بوده با بسیاری از افراد بالای جریانات سیاسی آشنائی کامل دارد و با طرفداران که از زندانیان سیاسی سابق دارد (بخاطر کم محلی که در زندان به او میکرده اند احساس حقارت دارد) تعریف میکنند که تا میبرده در زندانهای زمان شاه معدوم نمیداد احساس مهندسی میکرد و در سلول با شلوار کوتاه میگشته و به همین علت از طرف سایرین توهین با و نمی شده) با جدیدت دنبال این قضیه است.

■ برخی ماشین های جاسوسی پاسداران (با ناممطلاح حزب اله):

تویوتای قهوه ای	۲۸۹۵۴	تهران	۲۲
پیکان صورتی	۳۶۶۹۷	تهران	
پیکان سبزرنگ	۱۳۹۱۷	تهران	۲۵
بنز سفید	۵۲۸۲۶	تهران	
اسنیشن آبی رنگ (ماشین ستاد عملیاتی منطقه ۹)	۴۴۴۱۲		
تویوتا خاکستری	۶۸۸۸۲	تهران	۲۴
پیکان سفید	۹۳۹۲۶		

بابل

■ (تاریخ نگارش غیره ۱۶ تیر ماه): مهدی یگانگی یکی شهدای اخیر در بابل که حدود ۸ - ۷ روز قبل نامش را از داد و ستد اعلام کردند در حقیقت ۱۰ روز قبل از اعلام نامش به شهیدان رسیده بود. با این ترتیب که او که از هواداران مجاهدین بوده چند روزی در خانه خویشاوندانش مخفی میشود و یک روز که به دلیل از خانه بیرون میاید پاسداران او را شناسائی کرده و ایست میدهند. او فرار میکند و به خانه ای که درش باز بوده پناه میبرد ولی صاحبخانه نا جوان مردانه او را راه نمی دهد. پاسدار میرسد او را میزند. چند روزگش مکش داشته اند که جسد او را تحویل بگیرند که میگویند در بابل نباید دفن شود و باید در فلان ده (که چاقو را هم در آنجا زدند) دفن گردد. در مراسم تدفین او پاسداران و خواهران زینب به بهانه ای بیخودی به سسر خویشاوندان و خانواده او میریزند و جاسوسی آنها را لت و پاره میکنند و جواهرات آنها را هم زدست و گردنشان با زگردهومی - برند. سه چهار روز بعد چاقو را و پاسداران نبش قبر میکنند. جسد او را در میاورند، طنابی به گردنش میبندند و او را در قبرستان و کوجه ها میکشند، چشمش را با چاقو در میاورند و صورتش را با کلنگ داغان میکنند و دوباره به سردخانه میبرند و اینبار میگویند که اصلا این کار نباید در قبرستان بلکه باید دفن شود و باید در بیهائی محله چال شود. ... پدر و مادر وی روانسوسی